

بررسی هویت قیصر ناشناس روم در جنگ دوم شاپور اول

میرزا محمد حسنی*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

(از ص ۵۳ تا ۷۰)

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۰۹

چکیده

هدف این مقاله، پرداختن به جنگ دوم از جنگ‌های سه‌گانه شاپور اول با رومیان، در کتیبه کعبه زرتشت است. با بررسی نظرات مختلف ارائه شده درباره سال وقوع دومین جنگ شاپور اول با رومیان و همچنین قیصر رومی درگیر با او، که نامش در کتیبه ذکر نشده است، رخدادها و دوره سلطنت شاپور اول و جنگ دوم او با رومیان در حدود سال‌های ۲۵۲ تا ۲۵۶ میلادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تحقیقات صورت گرفته، سلطه ساسانیان در خلال این سال‌ها بر ارمنستان و سوریه، همزمان با دوره سلطنت امپراتور رومی تربونین گالوس، بوده است. شواهد موجود، نشان می‌دهد که عامل اصلی دفاع رومیان در برابر تهاجمات ساسانیان به سوریه، نه امپراتور گالوس بلکه یک سوری شورشی و مدعی مقام سلطنت به نام اورانیوس آنتونینوس بوده است. به نظر می‌رسد اورانیوس آنتونینوس، تنها قیصر حاضر در منطقه سوریه، همزمان با تهاجمات شاپور اول بوده است.

واژه‌های کلیدی: شاپور اول، کتیبه کعبه زرتشت، امپراتور گالوس، اورانیوس آنتونینوس، ساسانیان

مقدمه

در تحقیقات تاریخی صورت گرفته درباره تاریخ ایران باستان، مورخ معمولاً با کمبود منابع و مکتوب و دست اول، آن هم از نوع ایرانی روبه‌رو است. بدین دلیل، در بیشتر تحقیقات صورت گرفته، مورخ مجبور است با رجوع به منابع یونانی و رومی، که هم‌زمان با دوره مورد بحث، به رشته تحریر درآمده، اطلاعات تاریخی مورد نیاز را استخراج نماید. نویسندگان این آثار، به‌طور معمول به حکومت‌های ایرانی به چشم دشمن و یک رقیب دیرینه می‌نگریسته‌اند. به همین دلیل، نوشته‌های آنها با جهت‌گیری خاصی همراه است که سبب می‌شود استناد به تاریخ‌هایی از این دست به تنهایی، خالی از اشکال نباشد. اما کشفیات باستان‌شناسی در چند دهه اخیر، منجر به پیدایش آثاری شده است که با ترجمه، تحلیل و بررسی آنها، این بار مورخ می‌تواند به منبعی اصیل از نوع ایرانی آن دسترسی پیدا کند. این آثار، طرز تلقی ایرانیان باستان را از رویدادهای نظامی، سیاسی و مذهبی در دوره‌ای خاص، نمایان می‌سازد. از جمله این کشفیات و از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به کتیبه سه‌زبانۀ کعبۀ زرتشت شاپور اول اشاره کرد. در کارهای صورت گرفته در ایران، و به‌جز در معدودی از کارها، پژوهشگران حوزه زبان‌های باستانی ایران، بیشتر به ترجمه متن کتیبه اکتفاء کرده‌اند و تحلیلی جامع از تمامی داده‌های تاریخی این کتیبه ارائه نکرده‌اند. بدون شک، دقت بیشتر در متن کتیبه، همراه با تقسیم‌بندی موضوعی و تحلیل و تطبیق داده‌های تاریخی آن با سایر آثار و منابع موجود، می‌تواند سرچشمه‌های متعددی برای پژوهش‌های نو و اصیل در اختیار پژوهشگران تاریخ ایران باستان قرار دهد. این امر می‌تواند سبب روشن شدن نکات مبهم و کمتر مطرح شده‌ای از تاریخ ایران در دوره ساسانی گردد.

در این پژوهش تلاش شده است با بررسی متن کتیبه کعبۀ زرتشت در باره جنگ دوم شاپور اول با رومیان، و تطبیق آن با شواهد سکه‌شناسی و داده‌های تاریخی، نظری جدید در باب هویت قیصر ناشناسی که نام صریح وی، در کتیبه کعبۀ زرتشت نیامده است، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

دومین جنگ شاپور اول با رومیان به استناد کتیبه کعبۀ زرتشت

با کشف کتیبه سه‌زبانۀ شاپور اول در کعبۀ زرتشت در سال ۱۹۳۶م. و ترجمه آن، جزئیات مهمی درباره وقایع سال‌های پادشاهی شاپور اول و سه جنگ مهم او با رومیان

به دست آمد. شاپور اول، به استناد متن کتیبه، در نخستین جنگ خود با رومیان با گردین سوم (سال‌های حکومت ۲۴۴-۲۳۸ م.) درگیر شده است.

نتیجه جنگ اول، کشته شدن گردین سوم در میدان جنگ و انعقاد قرارداد صلح با فیلیپ عرب، جانشین امپراتور مقتول است (۲۴۴ م.). در دومین جنگ، که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد، شاپور اول، به بهانه پیمان شکنی قیصر رومی در مسئله ارمنستان، به قلمرو رومیان تاخته و شهرهای متعددی از منطقه سوریه را پس از شکست سپاه رومی با توان ۶۰/۰۰۰ مرد جنگی، تسخیر و ویران می‌کند. در جنگ سوم، که معروفترین جنگ از این جنگ‌های سه‌گانه است، شاپور اول، موفق می‌شود سپاه والرین امپراتور روم را که با ۷۰/۰۰۰ نیروی جنگی به مقابله با ساسانیان آمده بود، شکست داده و امپراتور و تمامی سپاهیان را اسیر و به ایران منتقل کند.

در خصوص جنگ اول و سوم شاپور اول با رومیان، یعنی جنگ با گردین سوم و والرین، علاوه بر متن کتیبه کعبه زرتشت، مستندات دیگری نیز در دست است که به روشن شدن بیشتر این وقایع کمک می‌کند. از آن جمله می‌توان به نقش برجسته‌های ساسانی (بیشاپور ۱ و ۲ و ۳ دارابگرد و نقش رستم)، متون تاریخی رومی و متون تاریخی سده‌های نخستین اسلامی اشاره کرد. پیروزی در جنگ اول، گویا در سال‌های ۲۴۳ تا ۲۴۴ م. و پیروزی در جنگ سوم، گویا در سال‌های ۲۵۹ تا ۲۶۰ م. رخ داده است. اما جنگ دوم شاپور اول با رومیان، از نظر تعیین تاریخ وقوع آن و بازشناختن از دیگر جنگ‌های این پادشاه، گرهی ناگشوده است (فرای، میراث، ص: ۳۴۲).

به طور کلی، در بررسی دقیق‌تر جنگ دوم شاپور اول با رومیان، مشکلاتی چند وجود دارد که سبب ارائه نظرات مختلف پژوهشگران شده است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- سال وقوع این جنگ ۲- قیصری که با شاپور اول درگیر شده است و نام او در متن کتیبه ذکر نشده است ۳- تعداد سپاهیان رومی حاضر در منطقه سوریه که در کتیبه کعبه زرتشت تعداد آنها ۶۰/۰۰۰ نفر عنوان شده است.

ترجمه متن پارتی کتیبه کعبه زرتشت، وقایع دومین جنگ با رومیان را بدین صورت بیان می‌کند:

«قیصر کشته شد [گردین سوم] نیروی رومیان نابود شده و رومیان فیلیپوس را قیصر کردند و فیلیپوس قیصر به التماس نزد ما آمد و پانصد هزار دینار (به‌عنوان) خون‌بها به ما داد (و) باج‌گزار شد. و ما از این روی، مشیگ را پیروز شاپور نام کردیم. قیصر بار دیگر پیمان شکنی کرد (و) ارمنیه را تباہ کرد و ما بر رومیان شهر تاختیم و شصت هزار نیروی رومیان در بلس کشته شد و شهر

اسوریه و هرآنچه پیرامون شهر اسوریه بود همه سوخت، ویران و غارت شد و...» (عریان، کتیبه‌های ایران میانه، بند ۴ و ۵، ص: ۷۰)

آنچه از بررسی دقیق متن کتیبه و مقایسه آن با مستندات تاریخی به دست می‌آید، این است که بعد از شکست و کشته شدن گردین سوم در سال ۲۴۴ میلادی، فیلیپ عرب، با انعقاد قرارداد صلح با شاپور اول کنترل ارمنستان را به شاپور اول واگذار می‌کند (کریستن‌سن، ص: ۳۱۰).

شاپور در کتیبه، بلافاصله بعد از ذکر این خبر، به پیمان‌شکنی قیصری که هویت او مشخص نیست، در مسئله ارمنستان اشاره می‌کند. این امر بهانه لازم را برای شروع تهاجمات گسترده ساسانیان به قلمرو امپراتوری روم در سوریه فراهم می‌کند. متأسفانه اطلاعات دقیقی درباره رویدادهایی که در ارمنستان گذشته است در دست نیست و باید در این خصوص تنها به استنتاج‌های احتمالی متکی باشیم.

با استناد به روایت مورخان ارمنی، آگاتانگوس و موسی خورنی، پادشاه ارمنستان در دوره مورد بحث، خسرو نام داشته است. این پادشاه که از شاخه اشکانیان ارمنستان بوده، از دشمنان سرسخت ساسانیان محسوب می‌شده است. خسرو، سرانجام به تحریک پادشاه ساسانی به قتل رسید؛ تاریخ قتل خسرو، دقیقاً مشخص نیست، اما این قتل، به احتمال بسیار، نه در دوره اردشیر اول، بلکه در ایام پادشاهی پسرش شاپور، و از قرار معلوم در حدود سال ۲۵۲ میلادی، اتفاق افتاده است. تیرداد، پسر پادشاه ارمنستان پس از کشته شدن پدر، به قلمرو روم گریخته است و به احتمال قوی به همین دلیل بوده که شاپور اول عزم کرده تا دشمنی با روم را از سر گیرد (آگاتانگوس، ص: ۳۴ و مؤسس خورناسی، ص: ۱۷۸ و فرای، کمبریج، ص: ۲۲۶).

علاوه بر موارد ذکر شده، اختلاف بین مدعیان سلطنت در امپراتوری روم سبب شد تا شاپور اول، قبل از شروع تهاجم گسترده به شهرهای سوریه، با توجه به ضعف قدرت مرکزی در روم، بین سال‌های ۲۵۲ و ۲۵۳ میلادی، اقدام به عملیات جنگی در ارمنستان نماید. در آنجا، سلسله پادشاهی اشکانی ارمنستان با کشته شدن شاه آن، یعنی خسرو اول و فرار ولیعهد آن (تیرداد)، از بین رفت و هرمزد-اردشیر، پسر شاپور و جانشین او، شاه بزرگ ارمنستان شد (۲۵۳-۲۵۲م) (Ghirshman, p.122).

گیرشمن، سال‌های مختلفی را که پژوهشگران برای این جنگ ارائه نموده‌اند، گردآوری کرده است. جدول زیر نشان‌دهنده سال پیشنهادی پژوهشگران برای شروع دومین جنگ است.

ردیف	سال پیشنهادی برای جنگ دوم	نام نویسندگان
۱	۲۵۱/۲۵۲ میلادی	Ghirshman, p.122-123
۲	۲۵۳ میلادی	Rostovtzeff, p.31
۳	۲۵۳ میلادی	Ensslin, p.19
۴	۲۵۳ میلادی	Olmstead, p.410
۵	۲۵۳ میلادی	Sprengling, p.88
۶	۲۵۳ میلادی	Alföldi, p.61

در ادامه بررسی‌های جدید وینتر و دیگناس، سال شروع جنگ ۲۵۲ م و سال فتوحات در سوریه ۲۵۳ م عنوان شده است (وینتر و دیگناس، ص: ۶۳).

به‌طور کلی، در بررسی سال‌های مختلف ارائه شده بین ۲۵۱ الی ۲۵۳ م، آنچه از شواهد و کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید این است که پاسگاه‌های مرزی رومی، در کنار رود فرات و شهر دوراً اوراپوس، در سال ۲۵۳ م. به دست ایرانیان افتاده است و تا چندین ماه نیز در تصرف ساسانیان بوده است. در سال ۲۵۶ م. ایرانیان به فرمان شاپور اول مجدداً به این شهر تاختند و آن را ویران ساختند. اکنون این پرسش پیش می‌آید که کدامیک از این دو تاریخ، یعنی سال‌های ۲۵۳ و ۲۵۶ م. با جنگ دوم شاپور اول برابر است؟

فرای در پاسخ به این پرسش، توضیح می‌دهد که در روزگار باستان، معمولاً جنگ‌ها شامل یک لشکرکشی یکساله بوده است و احتمالاً جنگ دوم شاپور، چندین سال طول کشیده است. فرای در ابتدا، هر دو سال ۲۵۳ و ۲۵۶ م را مطرح می‌کند، اما سرانجام در بررسی‌های بیشتر، با اطمینان خاطر اعلام می‌کند که جنگ دوم، باید در سال ۲۵۶ م رخ داده باشد. او معتقد است جنگ ۲۵۳ م. جنگ کوچکی بوده که در کتیبه کازرون نیز از آن سخن نرفته است (فرای، میراث، صص: ۳۴۲ و ۳۴۳/ فرای، تاریخ، صص: ۴۷۵ و ۴۷۶/ فرای، کمبریج، صص: ۲۲۶).

علت اهمیت تعیین سال وقوع دومین جنگ، کمک شایان توجه آن به شناخت هویت قیصر ناشناسی است که شاپور اول در این جنگ با او درگیر شده است. زیرا سال وقوع و آغاز این جنگ را می‌توان با سال سلطنت قیصر ناشناس تطبیق داد.

به‌طور کلی، از آنجا که سال ۲۵۳ م. به عنوان سال شروع جنگ دوم، پیروان بیشتری دارد، حتی اگر سال ۲۵۳ م. ارائه شده توسط فرای را نه به عنوان سال شروع جنگ دوم بلکه به عنوان سال شروع یک درگیری کوچک نظامی در نظر بگیریم و سال فتح

ارمنستان توسط شاپور اول را نیز ۲۵۲/۲۵۳ م بدانیم، بنابراین، باید به دنبال قیصر پیمان-شکنی باشیم که در حدود سال‌های ۲۵۳ م به بعد سلطنت می‌کرده است.

چنان که ذکر شد، شاپور اول در کتیبه کعبه زرتشت و در شرح جنگ دوم خود با رومیان، به سادگی از یک قیصر پیمان‌شکن نام می‌برد و نام مشخصات این قیصر را عنوان نمی‌کند. ترجمه متن پارتی عبارت فوق در کتیبه بدین صورت است: «قیصر باردیگر پیمان‌شکنی کرد» (عربان ۱۳۸۲، بند ۴: ۷۰).

در این متن کوتاه، دو نکته حائز اهمیت و توجه بیشتر است: نخست، ذکر نشدن نام قیصر و دیگر تأکید بر پیمان‌شکنی دوباره این قیصر است. در تحقیقات گوناگون، تاکنون نظرات مختلفی برای شناسایی هویت این قیصر ناشناس، و دلیل ذکر نشدن نام او صورت گرفته است. گیرشمن، برای حل این مشکل با تأیید و تحسین نظریه روستوزف، با او هم‌رأی شده و نظریه روستوزف را، مبنی بر این که کتیبه کعبه زرتشت عمداً خلاصه نوشته شده است، می‌پذیرد (Rostovtzeff, p.21؛ Ghirshman, p.122).

گیرشمن، این نتیجه‌گیری را نشانه تیزهوشی روستوزف دانسته و می‌گوید: «ذکر قیصری که نام او در کتیبه نیامده است، اجازه می‌دهد بپذیریم که این نام وجود داشته، ولی چون متن نوعی فشردگی را متحمل شده این نام حذف شده است.» (Idem, p.122) در نقد این نظر، باید گفت که بررسی متن کتیبه، نتیجه‌گیری روستوزف را مبنی بر خلاصه‌نویسی متن کتیبه، تأیید می‌کند (به عنوان مثال در متن کتیبه شرح جنگ‌های سه گانه شاپور اول با رومیان که در فاصله زمانی ۲۴۳ تا ۲۶۰ م. رخ داده است به صورت متوالی و خلاصه و بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی ذکر شده است)، اما از این امر به-سختی می‌توان نتیجه گرفت که ذکر نشدن نام قیصر، محصول خلاصه‌نویسی متن کتیبه باشد. از بررسی کتیبه، مشخص می‌شود که شاپور، توجه شایانی به ذکر نام امپراتوران رومی درگیر با خود و حتی ذکر نام مناطقی که سپاهیان رومی از آنجا بسیج شده‌اند داشته است. بنابراین، عجیب است بپذیریم برای ثبت تاریخی پیروزی مهم خود نام قیصر، آنقدر بی‌اهمیت بوده است که در خلاصه‌نویسی متن کتیبه حذف شده باشد. بنابراین، برای ذکر نشدن نام این قیصر باید به دنبال دلایل دیگری بود. بررسی وضعیت سیاسی امپراتوری روم در دوره مورد بحث و ظهور مدعیان سلطنت، تا حدی این وضعیت را روشن می‌سازد.

به‌طور کلی، از زمان به‌قدرت‌رسیدن فیلیپ عرب در سال ۲۴۴م، تا سال به سلطنت رسیدن والرین، یعنی ۲۵۳م دولت مرکزی در امپراتوری روم وضعیت بسیار نابه‌سامانی را پشت‌سر می‌گذاشته است. در فاصله سال‌های ۲۴۴ تا ۲۵۳م یعنی در فاصله نه سال یازده نفر صاحب عنوان آگوست شده‌اند و چهار نفر شیاد شورشی (مدعی مقام سلطنت) نیز بر سر کسب قدرت با هم جنگیده‌اند. (Ghirshman, p.121):

ردیف	امپراتوران صاحب عنوان آگوست	سال سلطنت	ردیف	امپراتوران صاحب عنوان آگوست	سال سلطنت
۱	فیلیپ عرب	۲۴۴-۲۴۹ م	۷	تربونین گالوس	۲۵۱-۲۵۲ م
۲	فیلیپ جوان (پسر فیلیپ عرب)	۲۴۷-۲۴۹ م	۸	ولوسیانوس	۲۵۱ م
۳	تراژان دس (داکیوس)	۲۴۹-۲۵۱ م	۹	امیلین	۲۵۳-۲۶۰ م
۴	هرانیوس پسر دس (داکیوس)	۲۵۱ م	۱۰	والرین	۲۵۳-۲۶۰ م
۵	هوستیلیانوس پسر دس (داکیوس)	۲۵۱ م	۱۱	گالین	۲۵۳-۲۶۸ م
۶	لوسینیانوس	حدود ۲۵۰ م			

ردیف	نام امپراتوران شورشی (شیاد)	سال سلطنت
۱	پاکاتیانوس	۲۴۸-۲۴۹ م ؟
۲	ژوتاپیانوس	۲۴۸-۲۴۹ م ؟
۳	اورلیوس سولپسیوس	۲۵۳-۲۵۴ م
۴	پریسکوس (برادر فیلیپ عرب)	؟

با بررسی جزئی‌تر و دقت در تعداد امپراتورانی که تقریباً همزمان، برای کسب قدرت تلاش کرده‌اند، می‌توان نخستین حدس را دربارهٔ عدم ذکر نام قیصر در کتیبهٔ شاپور اول مطرح کرد؛ شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که با توجه به تعدد همزمان مدعیان سلطنت در روم و قلمرو آسیایی رومیان برای ساسانیان دقیقاً مشخص نیست که سپاهیان رومی اعزامی به منطقهٔ سوریه، سپاهیان کدام یک از این امپراتوران بوده است. آیا سنای روم او را به عنوان قیصر تأیید کرده است یا خیر؟ این حدس با توجه به کوتاهی مدت سلطنت این مدعیان و تغییر سریع امپراتوران تقویت می‌شود. هر چند اثبات آن به آسانی امکان‌پذیر نیست.

بنابراین شاید بهتر باشد متعدد بودن همزمان مدعیان سلطنت را در روم، دلیل حذف نام قیصر دانست نه اصل خلاصه‌نویسی در متن کتیبه را، آنچنان که گیرشمن به نقل از روستوزف عنوان می‌کند.

شیپمان با مطرح کردن نظریه‌ای متفاوت، معتقد است که محتملاً سردار مغلوب رومی در جنگ دوم با شاپور، افسر عالی‌مقام سوریه بوده است. او این امر را دلیل ذکر نشدن نام قیصر در کتیبه می‌داند (شیپمان، ص: ۲۴).

حتی با پذیرفتن درست بودن این نظریه، باز مشکل این است که سردار احتمالی یا مقام عالی رتبه نظامی، فرماندهی سپاهیان کدام قیصر دارنده مقام امپراتوری را عهده‌دار بوده است. با دقت در لیست یازده نفری که عنوان امپراتور یافته‌اند، و چهار نفری که برای کسب مقام سلطنت تلاش کرده‌اند، و نیز با مبنا قراردادن سال نبرد دوم شاپور بر علیه رومیان، یعنی سال ۲۵۳ م. ناگزیریم نام تعدادی از این افراد را که در سال‌های قبل از ۲۵۳ م سلطنت کرده‌اند، از این تحقیق حذف کنیم. بنابراین چهار امپراتوری که در سال ۲۵۳ م، دارای قدرت رسمی و مورد تأیید سنا بوده‌اند، عبارتند از:

۱- تربونین گالوس	۲۵۳-۲۵۱ م
۲- امیلین	۲۵۳ م
۳- والرین	۲۶۰-۲۵۳ م
۴- گالین	۲۶۸-۲۵۳ م

از این افراد، می‌باید در همان ابتدا والرین و پسرش گالین را حذف کرد؛ زیرا والرین در ۲۵۳ م، در روم به قدرت می‌رسد. او قدرت را با پسرش گالین تقسیم نموده، غرب را به گالین می‌سپارد و خود به قلمرو شرق (متصرفات آسیایی روم) می‌پردازد (Ghirshman, p.121). با توجه به سکه‌های ضرب شده توسط والرین در شرق (در انطاکیه و اسکندریه)، که متضمن عبارت پیروز بر پارت‌ها (Vict-Part) است و به میمنت بازپس‌گیری انطاکیه از دست ساسانیان ضرب شده است، سال ورود والرین را به شرق، ۲۵۷/۲۵۸ م. حدس می‌زنند. (Olmstead pp:401,402 ؛ Ghirshman, p.126)

فرای، با بازسازی رویدادها و با توجه به شواهد سکه‌شناسی، سال ورود والرین را به شرق، ۲۵۶ م. حدس می‌زند (فرای تاریخ باستانی ایران، ص: ۴۷۶). بنابراین، آنچه مسلم است، والرین در سال ۲۵۳ م. که سال شروع جنگ دوم شاپور اول است، هنوز در روم به سر می‌برده و لشکرکشی به سمت شرق را آغاز نکرده بوده است. پسر والرین، گالین نیز در این دوره، کنترل نواحی غربی امپراتوری را بر عهده داشته است و دخل و تصرفی در قلمرو آسیایی امپراتوری روم نداشته است. امپراتور بعدی یعنی امیلین (امیلیان) در درگیری‌هایی که در زمان تربونین گالوس با گوت‌ها در مسی رخ می‌دهد، توسط سنا به - عنوان امپراتور معرفی می‌شود. ولی این شخص، پیش از رسیدن به ایتالیا و در سال ۲۵۳

م. به دست سربازانش کشته می‌شود (Ghirshman, p.121). پس امیلین نیز طبعاً نمی‌تواند نقشی در شرق ایفاء کرده باشد. بنابراین، آخرین فردی که می‌تواند همزمان با جنگ دوم شاپور، قدرت را در روم در دست داشته باشد تربونین گالوس (۲۵۳-۲۵۱ م) خواهد بود.

گیرشمن، بدون تردید و با قاطعیت اعلام می‌کند که جنگ دوم شاپور اول در زمان تربونین گالوس رخ داده است. او این قیصر را کسی می‌داند که نام او در کتیبه ذکر نشده است و این قیصر ناشناس را تربونین گالوس می‌داند. او محتملاً این رخداد را در حدود اواخر سلطنت گالوس و در تابستان ۲۵۳ م حدس می‌زند (Idem, p.122). هر چند هم‌اوم در جایی دیگر از کتاب خود، می‌نویسد که امپراتور گالوس، که هرگز روم را برای سفر جنگی ترک نکرده بود، مجبور می‌شود برای مبارزه با شورش گوت‌ها در مسی، عازم آن نواحی شود (Idem, p.121). بنابراین، بنظر می‌رسد امپراتور گالوس، در دوره حکومت خود، سفری جنگی به شرق نداشته است. تأکید بر انجام نشدن سفر جنگی گالوس به شرق، در نوشته‌های فون گال نیز به چشم می‌خورد.

فون گال با تأیید این مطلب که لشکرکشی شاپور فقط می‌تواند در سال ۲۵۳ م. اتفاق افتاده باشد، قیصری را که نام او در کتیبه ذکر نشده است، تربونین گالوس می‌داند. اما با ذکر این نکته که او هرگز سفر جنگی به شرق نداشته است، در صحت این نظریه تردید می‌کند (فون گال، ص: ۱۶۶). فون گال در نظری متفاوت با دیگران، با بررسی نقش برجسته ساسانی داراب، این اثر را تجسم نبرد دوم شاپور تلقی می‌کند. او معتقد است در این نقش برجسته، به دو قیصر و دو مسئله اشاره شده است. نخست، فیلیپ عرب، که قرارداد صلح با او منعقد شده است و در نقش برجسته داراب به صورت فردی که با دستانی دراز کرده به سوی شاپور می‌شتابد نمایش داده شده است، و دیگری، امپراتوری است که شاپور دست خود را بر سر او قرار داده است. او این حالت را نشان قهر و خشم دانسته و این فرد را همان قیصر پیمان‌شکن کتیبه شاپور معرفی می‌کند. فون گال، با توجه به چهره بدون ریش این فرد بر روی نقش برجسته او را تراژان دس (داکیوس)، امپراتوری که پس از قتل فیلیپ عرب قدرت را به دست می‌گیرد، معرفی می‌کند (سال حکومت ۲۵۱-۲۴۹ م).

فون گال معتقد است اقدام به عملیات جنگی علیه ایرانیان در دوره حکومت دس (جانشین فیلیپ عرب)، صورت گرفته است و به استناد شواهد سکه‌شناسی حدس زده

می‌شود که او رسانیا را مرکز عملیات بر علیه ایرانیان قراردادده باشد (همان، صص: ۱۶۶ و ۱۶۷).

ایرادی که بر نظریه فون‌گال وارد است این است که او خود با تأکید، سال وقوع جنگ دوم شاپور را سال ۲۵۳ م عنوان می‌کند (همان، ص: ۱۶۶). اما در ادامه، قیصر، پیمان‌شکن در دومین جنگ را تراژان دس معرفی می‌کند. این در حالی است که این امپراتور در سال ۲۵۱ م به قتل می‌رسد و اساساً در سال ۲۵۳ م و هنگام شروع جنگ دوم، در قید حیات نبوده است. شاید این نظریه را بدین صورت بتوان اصلاح کرده و پذیرفت که با توجه به تأکید شاپور در کتیبه کعبه زرتشت، مبنی بر پیمان‌شکنی مجدد و دیگر بار قیصر، شاید بتوان این اشاره به پیمان‌شکنی‌های مکرر قیصر را، نوعی مسبوق به سابقه دانستن پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی آنان دانست. نمونه این شیوه ریاکارانه را می‌توان در القاب دروغین به‌کاررفته توسط فیلیپ عرب بر روی سکه‌ها مبنی بر پیروز بودن او بر پارس‌ها و همچنین در آغاز عملیات نظامی و تعرضات ارضی دوره تراژان دس به قلمرو ساسانیان مشاهده کرد.

فیلیپ عرب، بعد از عقد قرارداد صلح با شاپور اول در سال ۲۴۴ م. صلحی که غالب منابع رومی از آن به عنوان «صلحی سخت شرم‌آور» یاد کرده‌اند، در این سال کوشید با ضرب سکه‌هایی با عبارت «صلح اساسی با پارس‌ها» (Pax Fundata cum Persis) و «پرسیکوس ماکسیموس» (Persicus Maximus) و «پارتیکوس ماکسیموس» (Parthicus Maximus)، صلح منعقد را به منزله یک پیروزی مهم جلوه دهد. هرچند این القاب و عناوین، در تعارض مشهود با شکست نظامی او از شاپور و شرایط عقد قرارداد صلح است (وینتر و دیگناس، صص ۱۰۲ و ۱۰۳).

آیا این القاب و عناوین که بر سکه‌ها ضرب شده است و به احتمال زیاد در دسترس ساسانیان نیز قرار داشته است، می‌تواند دلیلی بر پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی امپراتور روم از نظر شاپور باشد؟ امستد، سکه‌هایی را که فیلیپ عرب در سال‌های ۲۴۴ یا ۲۴۷ م. ضرب نموده و متضمن عبارات «پرسیکوس ماکسیموس» و «پارتیکوس ماکسیموس» است، دلیل شاپور اول برای مشخص کردن فیلیپ عرب به عنوان پیمان‌شکن و دروغگو بودن وی می‌داند (Olmstead, p:256).

شاید تأکید زیاد شاپور را بر عبارت «قیصر دروغ‌گفت» و یا «پیمان‌شکنی قیصر»، بتوان همانند سخن داریوش در سنگ‌نبشته بیستون دانست که می‌گوید پیرو راستی و

دشمن دروغ است و دشمنانش دروغ می‌گویند (دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۲۰). دریایی در بررسی‌های خود بیشتر بر مفهوم واژه «دروغ» به‌کار رفته در کتیبه تمرکز کرده است؛ او در ابتدا با تأکید بر باورهای زرتشتی، دروغ‌گویی گردین سوم را، عاملی در برابر راست‌اندیشی پارسیان انگاشته است. اما در ادامه، فیلیپ عرب را قیصر پیمان‌شکن معرفی می‌کند. او معتقد است در باره واگذاری ارمنستان به ساسانیان، فیلیپ قصد داشته است مطابق پیمان قدیم میان آگوستوس و اشکانیان عمل کند. بر مبنای این قرارداد، مانند دوره اشکانی پادشاه ایران شاه ارمنستان را انتخاب می‌کرد و این فرد در صورت تأیید مورد حمایت امپراتور روم قرار می‌گرفت. اما در دوره ساسانیان نه پادشاه ساسانی چنین شرایطی را می‌پذیرفت و نه خاندان اشکانی حاکم بر ارمنستان. (دریایی، امپراتوری ساسانی، ص ۹)

فون گال نیز دروغ قیصر را به مفهوم ایرانی «مهر و دروغ» به‌عنوان «عهد بستن به دروغ» و «شکستن عهد» قابل درک می‌داند و معتقد است از آنجا که هنگام بستن پیمان، دادن دست توافق به‌شکل یک سوگند به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است، از دیدگاه ایرانیان، کسی که توافق را حفظ نکند، باید به‌ویژه دروغ‌گو یا پیمان‌شکن جلوه کند (فون گال، ص ۱۶۵).

تأکید بر پیمان‌شکن بودن فیلیپ عرب در نوشته‌های سایر پژوهشگران نیز دیده می‌شود. رجبی و کاوه فرخ، بدون آنکه به سال شروع جنگ اشاره کنند فیلیپ عرب را امپراتور پیمان‌شکن معرفی می‌کنند (رجبی، جلد ۵، ص ۷۷ و فرخ، ص ۳۳۹).

زرین‌کوب، در نظری متفاوت، علت شروع جنگ دوم را پناه دادن رومیان به تیرداد، پسر خسرو پادشاه ارمنستان و همچنین خودداری امپراتور گالوس از پرداخت باقیمانده غرامت یا در واقع باجی که فیلیپ پرداخت آن را تعهد کرده بود، می‌داند. او «دروغ قیصر» و «پیمان‌شکنی» را در مورد ارمنستان، مربوط به امپراتور گالوس می‌داند (زرین‌کوب، صص: ۴۲۸ و ۴۲۹). این نکته شایان تذکر است که در خصوص غرامت یا باجی که فیلیپ، پرداخت آن را تعهد کرده بود و شاپور در کتیبه، مبلغ آن را ۵۰۰/۰۰۰ دینار عنوان می‌کند، این سوال مطرح است که آیا کل این مبلغ به یک‌باره پرداخت شده است یا این که شامل یک پیش‌پرداخت بوده است؟

در این باره، تاکنون نظرات متفاوتی ارائه شده است. اگر بپذیریم پرداخت اولیه بخشی از مبلغ قرارداد در زمان فیلیپ عرب صورت گرفته باشد، می‌توان پرداخت نشدن

بقیه آن مبلغ را در زمان دیگر امپراتوران رومی (جانشینان فیلیپ عرب)، نشانه‌ای از پیمان‌شکنی آنان قلمداد کرد. وینتر و دیگناس، معتقدند با تسلط شاپور اول بر ارمنستان، که از جمله مفاد قرارداد صلح با فیلیپ عرب بوده، از آن پس پرداخت‌های سالیانه‌ای که رومیان برای حفظ استحکامات قفقاز در برابر حملات کوچروهای شمالی، به دولت ارمنستان می‌پرداخت، در اختیار دولت ساسانی قرار می‌گرفت و در عوض، مسئولیت حراست از ارمنستان در برابر مخاطرات تهدیدآمیز از جانب شمال، به دولت ساسانی واگذار می‌شد. بنابراین، شاپور، پرداخت‌های سالیانه‌ای را که روم برای حفظ استحکامات قفقاز باید می‌پرداخت «خراج» می‌نامد (وینتر و دیگناس، همان ص: ۱۰۲). پرداخت سالیانه دولت روم برای حفظ استحکامات قفقاز به دولت ارمنستان، تحت تسلط ساسانیان، یک تکیه‌گاه در کتیبه کعبه زرتشت نیز می‌یابد، در آنجا که شاپور پیمان‌شکنی قیصر را برابر با تباه ساختن ارمنستان و ستم روا داشتن به ارمنستان عنوان می‌کند. «قیصر بار دیگر پیمان‌شکنی کرد و ارمنیه را تباه کرد» (عریان، همان بند ۴، ص: ۷۰)

لوکونین نیز با معرفی هم‌زمان دو مقصر، پیمان‌شکنی امپراتور روم را به دوره امپراتوران رومی گالوس و والرین، که در ۲۲ اکتبر سال ۲۵۳ م. بر تخت امپراتوری روم نشسته است مربوط می‌داند (لوکونین، ص: ۸۹). اما چنان‌که ذکر شد، والرین نه در سال ۲۵۳ م. بلکه در حدود سال‌های ۲۵۷ و ۲۵۸ م. وارد شرق شده است.

شهبازی در نظری متفاوت، می‌گوید که در متن کتیبه، منظور از قیصر ناشناس، فیلیپ عرب نیست، بلکه این عنوان، اشاره‌ای تقریباً گنگ به امپراتوری روم است. (شهبازی، ص ۳۰۸)

به‌طور کلی، با بررسی تمام نظرات ارائه شده و دقت در شرایط سیاسی-نظامی حاکم بر امپراتوری روم در زمان وقوع دومین جنگ، باید خبر تاریخی مندرج در کتیبه کعبه زرتشت را تفکیک کرده و در دو بخش مورد بررسی قرار داد. در بخش نخست با توجه به تغییر سریع امپراتوران رومی، باید به دنبال امپراتور یا امپراتورانی بود که به شرایط قرارداد صلح فیلیپ عرب با شاپور بی‌توجهی کرده‌اند. بنابراین پیمان‌شکنی امپراتور رومی، می‌تواند بعد از صلح فیلیپ عرب، یعنی سال ۲۴۴ م. تا سال ۲۵۳ م، سال شروع جنگ دوم اتفاق افتاده باشد. بنابراین، می‌توان فیلیپ عرب را به‌خاطر القاب و عناوین دروغین به‌کار برده بر روی سکه‌ها، مبنی بر پیروزی در جنگ با ساسانیان،

امپراتور پیمان شکن دانست (نظریهٔ امستد و رجبی) یا تراژان دس را، به علت شروع عملیات نظامی بر علیه ساسانیان، قیصر پیمان شکن فرض کرد (نظریه فون گال) و یا نظریهٔ غالب مورخین را پذیرفت و با تکیه بر سال ۲۵۳ م. تریونین گالوس را قیصر پیمان شکن این کتیبه تصور کرد (نظریهٔ گیرشمن، لوکونین، زرین کوب). اما در بخش دوم متن کتیبه، باید به دنبال امپراتوری بود که با نیروی ۶۰/۰۰۰ نفری خود، در مقابل سپاه شاپور اول مقاومت کرده است. علت این تفاوت و تفکیک قائل شدن بین امپراتوران بخش اول و بخش دوم، در این است که امپراتوران گروه اول یا در زمان جنگ دوم در قید حیات نبوده‌اند یا برای عملیات نظامی در شرق حضور نداشته‌اند. به نظر می‌رسد تنها فردی که در سال ۲۵۳ م. در منطقهٔ سوریه حضور مؤثر داشته و می‌توانسته در برابر تهاجمات سپاه ساسانی مقاومت کند، یک شورشی و مدعی مقام امپراتوری به نام «ژولیوس اورلیوس سولپیسوس آنتونینوس» دانست. او بین سال‌های ۲۵۴-۲۵۳ م. قدرت را در سوریه در دست داشته است. «اورانیوس آنتونینوس» (Uranius Antoninus) که بر روی سکه‌ها، خود را «اورلیوس سولپیسوس» (Aurelius Sulpicius) نامیده است، احتمالاً یک روحانی عزیزی-آفرودیت بوده که با خاندان سوروس‌ها، وابستگی خانوادگی داشته است. سکه‌های او تأکید بر سال ۵۶۵ سلوکی دارد که شروع آن اکتبر ۲۵۳ میلادی است (Sartre, p:969). این شورشی، در این سال در سوریه، با ضرب سکه‌هایی از برنز و نقره و با انتخاب لقب آگوست، خود را امپراتور اعلام می‌کند. سکه‌های نقرهٔ او دارای شیوهٔ استاندارد رایج آن دوره و دارای ۹۰٪ نقره است (Carson, p:92).

برای شناخت بهتر نقش این شورشی، باید وقایع سیاسی-نظامی رخ داده در سوریه را با توجه به نقش تأثیرگذار او در منطقه، دگرباره مورد بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد بعد از محاصرهٔ دوراً اوراپوس توسط سپاه ساسانی، نیروی پارس‌ها از فرات گذشته و تا باربالیسوس (ناحیه‌ای در کنار جادهٔ حلب به دیرالزور) پیش‌روی کرده است. در این منطقه، و در نزدیکی رود فرات، جنگی در می‌گیرد که شاپور، به گفتهٔ خودش یک لشکر ۶۰/۰۰۰ نفری رومی را مغلوب می‌کند. در ادامه، سپاه ساسانی موفق می‌شود شهر هیراپولیس (امروزه منبج) را به تصرف در آورد. در اینجا، سپاه ساسانی تقسیم شده و شهرهای دیگری در سوریه را نیز تصرف می‌کند. به حرکت دقیق سپاه ساسانی یا گروه‌های مختلف سپاه، نمی‌توان به دقت پی‌برد. از کتیبهٔ شاپور و سایر منابع باستانی،

می‌توان تفسیرهای گوناگون به‌دست آورد. شاید یک گروه از سپاهیان، از هرمزد پسر شاپور، و گروه دیگر از خود شاپور، فرمان می‌برده‌اند. این دو بخش سپاه، به‌هنگام تسخیر انطاکیه در کنار رود اورونتس به یکدیگر پیوستند. تحرکات نظامی بعدی ساسانیان را، به دقت و درستی نمی‌توان تعیین کرد. به هر حال، یک واحد از نظامیان در ضمن حمله‌ای به جنوب نزدیک امسا (امروزه حمص) دچار شکست سختی شد و ناگزیر عقب نشست (شپیمان، ص: ۲۴). با دقت در موارد ذکر شده، می‌توان به این نتیجه رسید که در جریان تهاجمات سپاه ساسانی به سوریه، آنها موفق به شکست سپاه رومی در سوریه می‌شوند که کتیبه کعبه زرتشت، توان آن را ۶۰/۰۰۰ مرد جنگی عنوان می‌کند. تعداد سپاهیان رومی عنوان شده در کتیبه کعبه زرتشت معمولاً توسط مورخین مورد شک و تردید قرار گرفته است.

گیرشمن، تعداد سپاهیان عنوان شده در کتیبه را رقمی بدون تردید اغراق‌آمیز دانسته است (Ghirshman, p.123).

فون گال نیز می‌نویسد حتی اگر منابع رومی گزارشی از این سپاه رومی نمی‌دهند به استناد کتیبه کعبه زرتشت، آن را باید یک خبر تاریخی دانست. اما او این رقم را رقمی می‌داند که مطمئناً مبالغه‌آمیز است (فون گال، ص ۱۶۶). به‌طور کلی، در باره این جنگ، نمی‌توان با اطمینان مشخص کرد که آیا فرماندهی سپاه رومی با اورانیوس است یا نه؟

این احتمال وجود دارد که او، فرماندهی سپاهیان رومی را بر عهده داشته است. اگر این امر صحت داشته باشد، این شکست پایان کار او نبوده است؛ زیرا او موفق می‌شود با بسیج نیروها بار دیگر در جنگ دوم با سپاه ساسانی درگیر شده و در این جنگ موفق به شکست سپاه ساسانی شود (شکست ساسانیان در نزدیکی امسا یا حمص امروزی).

سارتر، وقایع این دوره را بدین‌صورت بازسازی نموده است: ساسانیان بعد از پیروزی باربالیسوس، سپاه خود را به سه بخش تقسیم می‌کنند. گروه اول به سمت شهرهای انطاکیه، اسکندریه، ایسوس و نیکوپولیس پیش‌روی می‌کند. گروه دوم به سمت شمال رفته و به زوگما و کاپادوکیه می‌رسد و گروه سوم باید بین ارتوس و امسا (امروزه حمص) بر اثر حمله یک ارتش چریکی محلی، که توسط اورانیوس آنتونینوس رهبری می‌شده است، متوقف شده باشد. این گروه از سپاه ساسانی، بعد از تحمل شکستی سخت، مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. تاریخ وقوع این جنگ را، سارتر پائیز سال ۲۵۲ م

عنوان می‌کند و بعد از این پیروزی در تابستان ۲۵۳ م. اورانیوس خود را بر روی سکه‌های ضرب شده آگوست معرفی می‌کند (Sartre, pp: 968,969). با ظهور آنتونینوس در این دوره پراشوب در سوریه، او بهترین راه حل را برای مقابله با تهاجمات ساسانیان، بسیج نیروهای بومی می‌داند. آنتونینوس، با ضرب سکه و انتخاب لقب آگوست برای خود، سعی در مشروع جلوه دادن اقدامات خود داشته است. اما ظاهراً اقدامات او بیشتر در جهت دفاع از زادگاهش بوده است و قصد وی حکومت کردن بر کل امپراتوری نبوده است. همزمان با ادامه تهاجمات ساسانیان به سوریه که با فتح شهرهای متعددی همراه است، اورانیوس ناپدید می‌شود و از سرنوشت و پایان کار او اطلاعی در دست نیست. اما آنچه مسلم است، این است که بعد از این وقایع، با به خطر افتادن تمامی سوریه بر اثر تهاجمات گسترده ساسانیان و محاصره انطاکیه، امپراتور گالوس، اقدام به انتقال ضرابخانه انطاکیه به امسا می‌کند (Idem, p: 969). این واقعه، باید در سال آخر سلطنت گالوس، یعنی تابستان ۲۵۳ م. رخ داده باشد. با قتل گالوس اوضاع پر هرج و مرج و آشفتگی منطقه، تا لشکرکشی امپراتور والرین به شرق (در سال ۲۵۷/۲۵۸ م.) که به جنگ دیگری با ساسانیان می‌انجامد ادامه پیدا می‌کند.

نظرات مختلف ارائه شده درباره قیصر درگیر با شاپور اول در جنگ دوم او با رومیان

ردیف	نام مورخ	امپراتوران پیمان شکن	رفرنس
۱	گیرشمن	تربونین گالوس	P.122
۲	زرین کوب	تربونین گالوس	صص ۴۲۸، ۴۲۹
۳	لوکونین	تربونین گالوس - والرین	ص ۸۹
۴	رجبی	فیلیپ عرب	ص ۷۷ جلد ۵
۵	امستد	فیلیپ عرب	P. 256
۶	فون گال	تراژان دس (داکیوس)	ص ۱۶۶
۷	شیپمان	افسر عالی مقام سوریه	ص ۲۴
۸	شهبازی	پیمان شکنی قیصر ناشناس اشاره‌ای تقریباً گنگ به امپراتوری روم است.	ص ۳۰۸
۹	فرخ	فیلیپ عرب	ص ۳۳۹
۱۰	دریایی	فیلیپ عرب	ص ۲۰
۱۱	سارتر	اورانیوس آنتونینوس معروف به اورلیوس سولپسیوس	PP.968,969

نتیجه

اختلافات سیاسی و ارضی ایران با امپراتوری روم، به‌عنوان یک میراث ماندگار از دوره اشکانی، در دوره ساسانی نیز با شدت تداوم پیدا می‌کند. این اختلافات، بسیار زود و در زمان بنیانگذار سلسله ساسانی، اردشیر بابکان با الکساندر سوروس امپراتور روم نمود

می‌یابد. اما این اختلافات، در دوره شاپور اول جانشین اردشیر بابکان چهره حقیقی خود را نمایان ساخت. شاپور اول به استناد کتیبه کعبه زرتشت، سه جنگ مهم با رومیان داشته است. شرح کامل این جنگ‌ها علاوه بر متون تاریخی، در آثار این دوره چون نقش‌برجسته‌های ساسانی نیز نمود یافته است. از مجموع این سه جنگ، جنگ دوم به علت مبهم و کوتاه بودن متن کتیبه کعبه زرتشت، سبب بحث‌های طولانی و ارائه نظرات متفاوت مورخین شده است. آنچه از بررسی و تحلیل این داده‌های تاریخی به دست می‌آید، این است که این نبرد، باید در سال‌های ۲۵۳-۲۵۲ میلادی رخ داده باشد. بهانه شروع این جنگ، پیمان‌شکنی امپراتور رومی در مسئله ارمنستان است. بر اساس معاهده صلح شاپور اول با فیلیپ عرب، ارمنستان در اختیار ساسانیان قرار گرفته بود. شاپور به این بهانه، ابتدا ارمنستان را فتح کرده و سپس با تهاجمات گسترده به سوریه، شهرهای متعددی را که در کتیبه نام آنها ذکر شده است، فتح می‌کند. در جریان این فتوحات، سپاهیان شاپور موفق به شکست سپاه رومی با توان ۶۰/۰۰۰ نفر مرد جنگی می‌شود. از آنجا که نام قیصر رومی پیمان‌شکن، در متن کتیبه ذکر نشده است، در بررسی‌های صورت گرفته، اکثر مورخین این قیصر را تربونین گالوس معرفی نموده‌اند. اما قبل از اقدامات نظامی و سیاسی، امپراتور گالوس با توجه به شواهد سکه‌شناسی و نکات جدیدی که در این تحقیق بدان پرداخته شده است، به نظر می‌رسد دفاع از سوریه در مقابل تهاجمات ساسانیان در حدود سال ۲۵۳ م. توسط یک سوری شورشی و مدعی مقام امپراتوری، بنام «اورانیوس آنتونینوس» که بر روی سکه‌ها خود را «اورلیوس سولپسیوس» نامیده، صورت گرفته است. او در این سال‌ها، قدرت را در سوریه در دست داشته است و اقدام به دفاع از زادگاهش در برابر تهاجمات ساسانیان کرده است. از پایان کار این فرد، اطلاعی در دست نیست؛ به نظر می‌رسد مقابله و دفاع در برابر ادامه تهاجمات ساسانیان به سوریه، بعد از اورانیوس آنتونینوس را، امپراتور گالوس و بعد از او امپراتور والرین صورت داده‌اند.

منابع

- آگاتانگوس، **تاریخ ارمنیان**. ترجمه گارون سارکسیان، چاپ اول، انتشارات نائیری، تهران، ۱۳۸۰.
- خورناسی، مؤسس. **تاریخ ارمنستان**، ترجمه گئورگی نعلبندیان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه دولتی یروان، یروان، ۱۹۸۴.
- دریایی، تورج. **امپراتوری ساسانی**، ترجمه خشایار بهاری، چاپ اول، فرزاد روز، تهران، ۱۳۹۲.
- دریایی، تورج. **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه مرتضی ثاقبفر، چاپ اول، ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.
- رجبی، پرویز. **هزاره‌های گمشده (ساسانیان)**، جلد پنجم، چاپ اول، توس، تهران، ۱۳۸۲.
- زرین کوب، عبدالحسین. **تاریخ مردم ایران (ایران قبل از اسلام)** جلد اول، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.
- شهبازی، علیرضا شاپور، **تاریخ ساسانیان**، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹.
- شیپمان، کلاوس. **مبانی تاریخ ساسانیان**، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ اول، فرزاد روز، تهران، ۱۳۸۴.
- عریان، سعید. **راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی پارتی)**، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۲.
- فرای، ریچارد. نلسون. **میراث باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- فرای، ریچارد. نلسون. **تاریخ باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- فرای، ریچارد. نلسون. **تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان**، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد سوم قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- فرخ، کاوه. **سایه‌های صحرا ایران باستان در جنگ**، ترجمه شهربانو صارمی، چاپ اول، ققنوس، تهران، ۱۳۹۰.
- فون گال، هوبرتوس، **جنگ سواران در هنر ایرانی و هنر متأثر از هنر ایرانی در دوره پارت و ساسانی**، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، چاپ اول، نسیم دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- کریستن سن، آرتور. **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، چاپ نهم، دنیای کتاب، ۱۳۷۴.
- لوکونین، و.گ. **تمدن ایران ساسانی**، ترجمه عنایت‌اله رضا، چاپ اول، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
- وینتر، انگلبرت و دیگناس، بئاته. **روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی**، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ اول، فرزاد روز، تهران، ۱۳۸۴.

Alföldi, A, *Die Hauptereignisse der Jahre 253-261 n.chr.im orient im Spiegel der Münzprägung*, Berytus, Vol IV, 1937.

Carson, R. A. G., *Coins Of the Roman Empire*, London, New York, Routledge, 1990

Ghirshman, R, *Bichapour*, Vol I, Paris, 1971.

Ensslin, W, *Zu den kriegendes Sassaniden Schapur I Jahrgang 1947, Heft 5*. München 1949.

Olmstead, A. T., *The Mid-Third Century of the Christian era*, classical philology, vol37,3., 1942.

Rostovtzeff, M.I, *Res gestae divi Saporis and Dura*, Berytus, Vol. VIII, 1943.

Sartre, M., *D'Alexandre à zenobie, Histoire du Levant antique IVème siècle aven j-c, IIIème Siecle après j-c*, Fayard, paris, 2001.

Sprengling, M, *Third Century Iran, Sapor and Kartir*, Chicago, 1953.